

ضرورت تعیین سیاست‌های کلی نظام در امور قانون گذاری^{۸۶}

سیاست‌های کلی نظام در واقع عبارت است از مجموعه قواعد و اصول هماهنگ و منسجم در راستای تعیین جهت‌گیری اهداف استراتژی و راهبردهای کلان نظام در دوره زمانی مشخص، به منظور تحقق اهداف قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله نظام و تامین عدالت اجتماعی و تأثیر گذاردن بر فعالیت‌های حکومتی.

قانون اساسی نیز علی‌القاعده معلوم کننده نوع و ارکان حکومت، حق حاکمیت ملی، صلاحیت قوای حاکم، حقوق ملت، پایه‌های اصلی نظام اقتصادی، نحوه اعمال اراده مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی خود، چگونگی نیروهای نظامی و امنیتی، زبان، خط، پرچم و امثال آن است. بالتبع سیاست‌های کلی در انطباق و جهت اصلی قانون اساسی، استراتژی راهبردی نظام اجرایی، تقنینی و قضایی را تبیین می‌کند. با تعیین سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی و اداری و نظر به وجود مشکلات خاصی در فرآیند امور قانون‌گذاری، ارائه سیاست‌های کلی نظام در امور تقنین و قانون‌گذاری از اهمیت ویژه برخوردار است. برپایه اصول قانون اساسی، سخنرانی‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف، خصوصاً دیدارهای رسمی با نمایندگان مردم در ادوار مختلف، آثار علمی و نتایج حاصل از نشست‌های تخصصی و تجربی، طرح سیاست‌های کلی نظام در امور قانون‌گذاری به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱- مطابق اصول «۵۷»، «۵۸»، «۵۹»، «۷۱» و «۶» قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران (قوه مقننه - قوه مجریه و قوه قضائیه) است که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت قرار داشته و اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی و در صورت تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد. مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. چون امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، بنابراین به روش انتخابات (رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، اعضای شوراها و امثال آن) توسط آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. وجود مراجعی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی که بر مبنای منویات مقام معظم رهبری اداره شده و موجد تصمیمات لازم‌الاجرا هستند از یک‌طرف و تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران تحت عنوان تصمیم‌نامه، شیوه‌نامه، آئین‌نامه و... و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر، شورای اقتصاد، شورای عالی علوم و فناوری و... از طرف دیگر که مقررات لازم‌الاجرا تنظیم و تصویب می‌کنند، در فرآیند امور اجرایی کشور قرار داده می‌شود. تعیین سلسله مراتب قانونی، هنجارهای

۸۶- یادداشت‌های ارسال از آقای پاکنهاد، معاون سابق امور حقوقی و مجلس وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و اقتصاد.

حقوقی کشور را (قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، قانون، تصویب‌نامه‌ها، مصوبات لازم‌الاجرا و...) اجتناب‌ناپذیر کرده و در هر صورت پاسداری از اسلامیت و جمهوریت نظام را واجب فرض کرده و با ارائه سیاست‌های کلی باید موجبات رفع تعارضات موجود در امور قانون‌گذاری و ایجاد تعادل منطقی و قانونی بین مصوبات مجلس شورای اسلامی و تصمیمات سایر مراجع موجد مقررات لازم‌الاجرا را باید فراهم نمود. بنا به مطالب مذکور اولین سیاست‌های کلی پیشنهادی به شرح زیر ارائه می‌شود:

وضع قانون منحصر در صلاحیت قوه مقننه است به استثنای مواردی که به تصویب مقام معظم رهبری می‌رسد و بر مصوبات مراجع دیگر حاکم است.

۲- اعمال اداره مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به اداره امور کشور از طریق انتخابات انجام پذیرد، از آن جمله است انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان به منظور تعیین مقام رهبری نظام، انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جهت وضع قوانین مورد نیاز جامعه، انتخاب اعضای شوراهای محلی در راستای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی با شورای نگهبان است و این امر شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیدها نیز می‌شود.

قانون انتخابات باید یکی از محوری‌ترین قوانین جامع موضوعی باشد و استقرار نظام انتخاباتی مبتنی بر اراده مردم و اثربخش به لحاظ ایجاد اعتماد و اطمینان همه جانبه از فرآیند اجرای مقررات انتخاباتی، یکی از اهداف خلل‌ناپذیر قانون انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است. در راستای چنین ضرورتی، سیاست‌های کلی نظام باید تکلیف این امر مهم را روشن‌تر بنمایاند.

دومین سیاست کلی نظام قانون‌گذاری به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

لزوم استقرار نظام انتخاباتی کارآمد و مبتنی بر اراده مردم

۳- قانون یکی از مهم‌ترین نمادهای مدنیت و سیر تکاملی بشری است. قانون در لغت به معنی خط‌کش آمده و در اصطلاح مبین رابطه خواص انحصاری هر شیء با سایر پدیده‌ها است، یک رابطه اصلی و اساسی، کلی و عمومی، الزامی و ضروری، مداوم و ثابت است. به عبارت دیگر قانون منعکس‌کننده روابط بنیادی و اساسی میان پدیده‌ها است. امروزه هنجارهای فرهنگی و انگاره‌های کرداری را که توسط مرجعی حکومتی (سیاسی-تقنینی) برقرار و مورد حمایت قرار داده شده و برای نقض آن‌ها مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است، قانون می‌نامند.

بالتبع چنین امری باید ناشی از دستاوردهای علمی و ظرفیت‌های پژوهشی و مهارت‌های فنی و تخصصی توانمندی‌های تجربی باشد. ضعف در مراحل کارشناسی اعم از قوه مجریه که عهده‌دار طراحی مناسب لوایح مبتنی بر نیازهای واقعی و ضرورت‌های اجتماعی است و مجلس شورای اسلامی که هم ارائه دهنده طرح‌های مربوط به منافع ملی و مصالح عمومی و عدالت اجتماعی است و هم تصویب کننده لوایح و طرح‌ها، از یک طرف موجبات افتراق و عدم مفاهمه بین اقشار مختلف جامعه بالاخص نخبگان و فرهیختگان را با ارکان حوزه‌های قانون گذاری و حکومتی فراهم می‌نماید و از طرف دیگر در بلندمدت اعتبار اجتماعی قانون مورد توجه جامعه قرار گرفته و فرهنگ قانون‌گرایی و قانون‌مندی با آسیب جدی مواجه می‌شود. سومین سیاست کلی پیشنهادی بر همین اساس ارائه می‌شود.

لزوم احراز ضرورت وضع قانون مبتنی بر مطالعات و پژوهش و الزام به کارشناسی مفاد آن توسط نهادها و مراکز تخصصی ذی‌ربط

۴- قانون مطلوب با توجه به تعریفی که گذشت باید شفاف، صریح، جامع و مانع، قابل اجرا و کنترل و ارزیابی، کارآمد و اثربخش، مبتنی بر مبنای علمی و حل مسائل واقعی اکثریت جامعه، پایدار و هماهنگ، دارای تعاملی هم‌افزا با سایر قوانین، نویدبخش عدالت اجتماعی، منطبق با موازین شرعی در راستای قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در جهت تأمین سعادت دنیوی و اخروی آحاد جامعه، حافظ حقوق انسان‌ها و معطوف به مصالح عمومی و منافع ملی باشد. رعایت این ویژگی‌ها در فرآیند تهیه و تنظیم لوایح و طرح‌ها، بررسی در کمیسیون‌های تخصصی قوای حاکم و تصویب در مجلس شورای اسلامی و اجرا در حوزه وظیفه‌ای قوه مجریه مورد غفلت واقع شده و استمرار چنین امری ناپایداری قوانین و بی‌اعتنایی مردم به حاکمیت قانون در جامعه شده و استمرار این روند بی‌ثباتی قانون را باعث می‌شود و به قانون‌گریزی آحاد جامعه منجر می‌شود. بالتبع ارائه چهارمین طرح پیشنهادی سیاست کلی نظام در امور قانون‌گذاری بر پایه چنین واقعیتی استوار است.

لزوم رعایت ویژگی‌های زیر در وضع قانون صریح و تدوین یافته بر پایه قواعد قانون‌نگاری، جامع و مانع، مبتنی بر دستاوردهای علمی و پژوهشی، قابل اجرا، منقح، دارای انسجام و هماهنگی با سایر قوانین

۵- حجم قوانین موجود با انضباط مالی و اقتصادی، تعاملات اجتماعی و نیازهای واقعی اکثریت جامعه در تناسب شایسته قرار ندارد و به رهنمودهای مکرر و مؤکد مقام معظم رهبری نیز توجه مطلوب نشده و مطالعات لازم و کافی پیرامون ماهیت و تبعات مسائل موجود در متن جامعه انجام پذیرفته است. بالتبع آن‌گونه که باید از پژوهش‌ها و تحقیقات موجود بهره‌برداری نشده و هریک از قوانین مستند به حاصل بررسی‌های علمی و کارشناسی و استفاده از قواعد و اصول سبک خاص نگارش قانون تدوین نشده است. در حالی که کثرت قوانین از یک‌سو و برداشت‌های متفاوت مسئولان اجرایی در دستگاه‌های مختلف از سوی دیگر، به قاعده‌گریزی آحاد جامعه منجر می‌شود و اجرای صحیح و دقیق قوانین دست‌خوش تفاسیر در روند اجرایی شده و از هدف قانون‌گذار فاصله می‌گیرد و اعمال سلیقه در فرآیند اجرای قوانین رواج می‌یابد و فرهنگ عمومی جامعه به لحاظ قانونمندی با اختلال جدی مواجه می‌شود. پیامد اصلی این مسئله ناپایداری در قوانین متعدد، روش‌های ناهماهنگ، رو در رویی قوای مجریه و مقننه و بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت قانون در جامعه است. بنابراین قوه مقننه می‌بایست (نظام قوانین جامع موضوعی) را در مدت زمان مشخص تصویب و ارائه نماید تا کلیه طرح‌ها و لوایح بر پایه نظام معین تنظیم، تدوین، تصویب، اجرا و نظارت شود. سیاست پیشنهادی در این خصوص پاسخ‌گو خواهد بود.

ضرورت ایجاد و استقرار نظام قوانین موضوعی جامع توسط مجلس شورای اسلامی به نحوی که کلیه قوانین موجود و آینده به روش شناسه قوانین (کدگذاری) تنظیم و بر مبنای قواعد معتبر قانون‌نگاری تدوین و در مراحل تصویب جانمایی شود.

۶- ارزیابی قانون در واقع عبارت است از آزمون و قضاوت کارآمدی درباره ارزش، کیفیت و اهمیت تأثیرات به وجود آمده در جامعه و توصیف میزان و شرایط کارآمدی قانون به منظور بهبود عملکرد و قضاوت در بین گزینه‌های تصمیم‌گیری ارزیابی قانون، چنانچه برپایه آثار اجرایی و نظارتی در راستای تطبیق عملیات اهداف و مراد قانون‌گذار باشد، بالتبع نظام ارزیابی معینی را به وجود می‌آورد تا قانون‌گذار به موقع و به درستی هرمانعی را از پیش روی قانون بردارد و مقتضی برای اجرای منظم و منسجم قانون فراهم شود. علت عدم تغییر کلی قانون مدنی در ارزیابی عملکرد چندین دهه آن روشنگر جامعیت قانون مدنی، نگارش صحیح، معطوف بودن به اعتقادات دینی آحاد مردم، واضعین دانشور حوزه و دانشگاه است. بدین ترتیب ارزیابی نظام‌مند قوانین از ضرورت‌های خاص موازین قانون‌گذاری بوده و پیشنهاد ارائه شده می‌تواند مؤثر در این مقام باشد.

لزوم ارزیابی نظام‌مند قوانین به منظور حصول اطمینان از بهره‌وری آن

۷- قانون اساسی معتبرترین و محوری‌ترین مبنا و منشأ قوانین عادی است و با توجه به مسئولیت‌ها و وظایف و اختیار مقام رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها برعهده مقام رهبری است و چون قوای حاکم سه‌گانه تحت نظارت معظم له اعمال وظیفه می‌نمایند، بالتبع نمی‌توانند برخلاف منویات مقام رهبری موجد تصمیمات لازم‌الاجرا شوند. رعایت اصول قانون اساسی در فرآیند قانون‌گذاری به لحاظ توجه به موازین شرعی و عنایت به سیاست‌های کلی نظام، حائز اهمیت است و هرگونه کوتاهی در این امر به بی‌اعتمادی آحاد جامعه به ارکان قوای حاکم منجر می‌شود. سیاست‌های کلی نظام در امور اقتصادی، قضایی، اداری و... اگر در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دستگاه‌های اجرایی، در مراتب بررسی و تصویب لوایح و طرح‌ها، در روند صدور حکم محاکم قضایی مورد عنایت قرار داده نشود، غفلتی آشکار و تسامحی جبران‌ناپذیر تعبیر شده و تأخیر در تحقق اهداف چشم‌انداز جامعه را باعث می‌شود. در حقیقت سیاست‌های کلی نظام مکمل اصول و مفاد قانون اساسی تلقی و می‌تواند معتبرترین راه‌گشای موانع قوای سه‌گانه باشد. توجه به سیاست پیشنهادی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

لزوم انطباق قوانین و کلیه مصوبات مراجع موجد تصمیمات لازم‌الاجرا با قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام

۸- جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، یکی از اصول اثربخش قانون‌گذاری است که میزان مسئولیت آحاد جامعه را دقیق و قانونی مشخص می‌کند؛ اما این امر مانع از این نیست که مصوبات قوه مقننه از نظر عوامل مؤثر در تنظیم و تدوین دستگاه‌های اجرایی و عمومی ذی‌ربط، بایدها و نبایدهای موردنظر حق و تکلیف مردم، ضمانت اجرای کافی، مراد اصلی واضعین و بالاخره چرایی تصویب قانون به روش‌های نوین موجود در هر عصر تبیین نشود به راحتی در دسترس مردم قرار داده نشود. به‌عنوان مثال در خصوص قانون اجرای اصل «۴۴» قانون اساسی که در واقع قانون نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، روش رسانه‌ای و با تشکیل میزگردهای علمی، اجتماعی، فرهنگی و در شبکه‌های مربوط به امور خانواده، جوان، علم، معارف و... پایه‌های اقتصاد کشور را توجیه کرده و مفهوم اقتصاد دولتی را اقتصاد خصوصی، اقتصاد تعاونی و شرایط حاکم بر آن‌ها و ارتباط این سه بخش از اقتصاد کشور را باید بنمایانند و اگر چنین شود مشارکت آحاد جامعه محقق می‌شود. قانون درباره مجازات اسلامی و آئین دادرسی، قانون نظام اداری کشور و... می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای هماهنگ با ارکان ذی‌ربط و متخصص و مسئول هریک از قوای حاکم، مفاد هر قانونی را برای آحاد جامعه تبیین نمود. از این رو پیشنهاد معینی قابل ارائه است.

ضرورت تسهیل و تسریع دسترسی مردم به کلیه قوانین و مقررات جاری و تبیین مفاد آن به آحاد جامعه

۹- هنجارها تعیین کننده بایدها و نبایدهای رفتار اجتماعی افرادند که ناشی از فرهنگ جامعه است. هنجارها قواعد و الگوهای پذیرفته شده فرهنگی رفتار و کردار است و آحاد جامعه به سبب مقتضیات عمومی جامعه ناگزیرند خود را بر هنجارهای (موازن) اجتماعی منطبق سازند، به این جهت است که اشخاص به جامعه‌پذیر یا فرهنگ‌پذیر تقسیم می‌شوند. در صورتی که فردی از انطباق خود با هنجارهای اجتماعی عاجز شود و از هم‌نوایی اجتماعی دوری گزیند نابهنجار و کج‌رو شمرده می‌شود. قانون اساسی، سیاست‌های کلی، قوانین عادی، تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران (با هر عنوان اعم از تصمیم‌نامه، شیوه‌نامه، مقررنامه و...)، مصوبات مراجعی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شوراهای قانونی و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر، دستورالعمل‌های رئیس قوه قضایی و... هر یک به نحوی از انحاء موجب حق و تکلیف یا واجد آثار اجرایی است. بنابراین سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در کشور باید توسط قانون‌گذار معین شود تا موجبات تضييع حقوق آحاد جامعه فراهم نشود و جامعه دست‌خوش اغتشاش ناشی از مصوبات مراجع مختلف، بدون ابتناء به قوانین و الزامات حکومتی نشود.

امروزه تعیین حدود و ثغور این سلسله مراتب از ضرورت خاصی برخوردار است و پیشنهاد سیاست کلی در این زمینه بر همین پایه استوار است.

ضرورت تعیین سلسله مراتب هنجارهای حقوقی (مقررات) در راستای قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام توسط مجلس شورای اسلامی

۱۰- در نظام جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود. شوراهای در فصل هفتم قانون اساسی به نحو صریح و موجز مورد حکم واقع شده و مقرر نموده برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان با نظارت شورایی به نام هریک از آنها صورت می‌گیرد و به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن‌ها شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود که می‌تواند در حدود وظایف خود طرح‌هایی به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. تعیین حدود وظایف، صلاحیت و اختیارات شوراهای با قانون است و اصلح است با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری، لزوم رعایت مقتضیات محلی در برنامه‌های عمرانی و رفاهی مناطق مختلف کشور، سیاست کلی نظام مبنی بر ارتقاء اختیارات شوراهای ارائه شود. پیشنهاد به شرح آتی در این راستاست:

لزوم ارتقاء صلاحیت شوراهای استانی در امور برنامه‌های عمرانی و رفاهی بر اساس مصالح، منافع و مشارکت عمومی و محلی

۱۱- فرهنگ چه به مجموعه دست‌آوردهای مادی و معنوی بشر اطلاق شود، چه مجموعه پیچیده‌ای باشد که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگر باشد که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است؛ یا به دانش، عقاید، هنرها و اخلاق و رسوم سایر یافته‌های اجتماعی انسان گفته شود؛ باید در جامعه به عنوان ارزش منطبق بر موازین اجتماعی تلقی شده و فرهنگ‌پذیری در جامعه باید به یکی از روش‌های مطلوب تبدیل و هر شخص با رسوم، اخلاق و سایر مظاهر زندگی اجتماعی هماهنگ شود.

آحاد جامعه میهن اسلامی که مفتخر به عضویت در آئین‌نامه خلل‌ناپذیر علی(ع) و زهرا(س) که به نظم و تقوی سفارش شده است، همواره بر قانون‌گرایی تأکید نموده و قانون‌مندی را رافع مشکلات اجتماعی می‌داند و بر استقرار بی‌نقص فرهنگ قانون‌مداری اصرار می‌ورزد و در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر قوانین مربوط تکیه می‌کند؛ مگر نه این است که کلیه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی بر اساس تأیید شورای نگهبان قانون اساسی و منطبق بر موازین شرعی است. بنابراین عمل برخلاف قانون، باید عمل برخلاف شرع محسوب و هر فردی ملتزم به رعایت عملی آن شود. دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مانند آموزش و پژوهش، آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان‌های عمومی فرهنگی، مطبوعات، رسانه‌ها بالاخص صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که به فرموده حضرت امام خمینی بنیانگذار اعظم حکومت اسلامی در جهان دانشگاهی ارزشی باید باشد، تکالیف بسیار حساس و مهمی برعهده دارند، از کتاب‌های درسی کلاس اول گرفته تا ترم اول هر دانشکده‌ای و در کلیه برنامه‌های اجتماعی صدا و سیما باید به فرهنگ قانون‌گرایی اهتمام خاصی مبذول و قانون‌مداری را به نحو مقبول مطلوب آحاد جامعه در هر منطقه نشر و رواج داد. این امر در ردیف تسهیل و تسریع دسترسی مردم به قوانین و مقررات می‌تواند به فرهنگ‌سازی شایسته و سزوار نظام جمهوری اسلامی ایران بدل شود. لذا پیشنهاد سیاست کلی نظام در این زمینه دور از انتظار نخواهد بود.

ضرورت نشر و رواج فرهنگ قانون‌گرایی و قانون‌مداری در جامعه و اهتمام بر آموزش قانون‌مندی مردم در کلیه سطوح اجتماعی

۱۲- مصوبات مجلس شورای اسلامی تا زمانی که به لحاظ انطباق با موازین شرعی و اصول قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی نرسیده است، اعتبار قانونی ندارد. تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر مطابق اصل «۱۳۸» قانون اساسی ضمن ابلاغ جهت اجرا به رئیس مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود تا در صورت مغایرت با قوانین، حسب مورد جهت تجدیدنظر به دولت

ارجاع دهد اما تصمیمات برخی از مراجع مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی که صرفاً با توجه به حکم حضرت امام خمینی و فرمان مقام معظم رهبری موجد آثار اجرایی است، با موازین شرعی و قانون اساسی و قوانین عادی تطبیق داده نمی‌شود. نظر به صلاحیت ذاتی قوه مقننه در تشخیص مصلحت و مصالح و منافع عمومی، اصلح خواهد بود که قانون‌گذار مرجع تشخیص مغایرت با قوانین را در هر طرح یا لایحه مورد بررسی، تعیین نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست کلی معینی در این زمینه به شرح زیر ارائه شود.

لزوم تعیین مرجع ذی صلاح تشخیص مغایرت مصوبات مراجع موجد تصمیمات لازم‌الاجرا با قوانین توسط مجلس شورای اسلامی

۱۳- نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی اگرچه از مناطق مختلف کشور و با تعداد آراء معین به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابند اما مطابق سوگندی که قرائت کرده و آن را امضا می‌نمایند، در برابر کلیه مردم کشور مسئول هستند و در فرآیند قانون‌گذاری با هر موضوع یا مسئله‌ای که مطرح می‌شود به عنوان نماینده ملت ایران اعمال وظیفه می‌نمایند. آینده‌پژوهی و کلان‌نگری اقتضای چنین شرطی است و در تمام مراحل قانون‌گذاری و ارائه طرح باید مورد توجه قرار داده شود. سیاست کلی پیشنهادی حاکی از چنین امری است.

لزوم کلان‌نگری و فرابخشی و پرهیز از جزیی‌نگری در مراحل قانون‌گذاری

۱۴- مجلس شورای اسلامی به لحاظ علمی و تجربی، فنی و تخصصی آشنایی با اصول و ویژگی‌های قانون‌نویسی باید در مرتبه ارجح و حداقل متعادل با ارکان اجرایی و قضایی کشور باشد. نمایندگان آگاه و مطلع در امور معین با داشتن صلاحیت علمی در رشته‌های مطلوب کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، با عضویت در کمیسیون‌های ذی‌ربط مذکور، موجب ارتقاء بهره‌وری مجلس می‌شوند و در صورت استفاده از حقوق‌دان‌های مجرب، متعهد و کارشناسان متخصص در مراحل بررسی سوابق کارشناسی منضم به هر لایحه یا طرح ارائه شده و نیز تدوین متون هر لایحه یا طرح مصوب در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، به لحاظ قواعد و استانداردهای مربوط به نگارش قانون می‌توان به ثبات و جامعیت آن امیدوار بود. اگر کلیه نمایندگان در چند ماه اول هر دوره قانون‌گذاری در کارگاه‌های آموزشی تخصصی قانون‌گذاری و قانون‌نگاری و خط‌مشی عمومی و سیاست‌های کلی نظام فعالانه شرکت نمایند، علاوه بر رشته‌های تخصصی علمی و سوابق تجربی مؤثر خود می‌تواند به کلیات مسائل مورد نیاز مجلس نیز عنایت کنند. این امر اگر به صورت سیاست کلی ابلاغ شود مؤثرتر خواهد بود.

لزوم استفاده از خدمات مشاوره حقوق‌دانان و کارشناسان مجرب در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های علمی نمایندگان

طرح پیشنهادی مسلماً در جلسات کمیسیون‌های ذی‌ربط مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بازنگری و تکمیل و تصحیح قرار داده شده و بالتبع اعضای محترم مجمع با اشراف کامل از اوصاف قانون و قانون‌گذار، نظر مشورتی خود را محضر مقام معظم رهبری تقدیم و معظم‌له سیاست‌های کلی نظام امور قانون‌گذاری را تصویب و ابلاغ خواهند فرمود. این امر آزمون و فرصتی است برای نمایندگان نهم مجلس شورای اسلامی که آغازگر دوره پویایی و اثربخشی در روش قانون‌گذاری و شیوه قانون‌نگاری و مهم‌تر از همه هر پدیده‌ای در اطاعت از فرامین مقام معظم رهبری، الگویی متین و مطلوب باشند.

انشاء‌الله